فطرت ذهن بشر در موضوع محوری در متن، نه سند محوری

استاد: روایت «خذوا ما رووا»؟

شاگرد۲: بله. لذا اشکالی هم به بنی فضال نیست.

استاد: ببینید سلیقه من به این صورت است. اصلاً ذهن من سند محور نیست. کجا انسان گیر بیافتد آن وقت نگاه کند که چه گفته اند. و الاّ وقتی محتوا را دریافت می‌کند، اول باید محتوا را به‌عنوان یک موضوع تحلیل کند. جلوترها هم عرض کردم که در تشابک شواهد حرف اول را تحلیل موضوع می‌زند. نباید تحلیل موضوع را دست کم بگیریم. یعنی هر حرفی از دهان کسی در می‌آید، یک هم بافته‌ای از موضوعات است. الآن ویتامین کمپلکس می‌گویند. خدای متعال به فطرت ذهن ما این را داده است. یعنی ذهن نوع بشر تا یک چیزی را می‌شنوند، به‌صورت ناخودآگاه این تحلیل را انجام می‌دهند. فقط می‌خواهد که آدم اسم ببرد و نشان بدهد. لذا اگر به فرمایش شما به جایی رسیدیم که کار گیر کرد، مانعی ندارد. ولی این‌که این حدیث باشد و مرحوم شیخ الطائفه با این فاصله در کتابشان بیاورند...؛ این‌که به‌خاطر کسی که ما نمی‌شناسیم مبادرت به انکار کنیم، صحیح نیست. کسانی که در این سلسله سند اسم او را برده‌اند، چه بسا کسانی بودند که او را می‌شناختند. مگر هر چه شناخته شده گفته شده؟! ای هر چه گفته شده به دست ما رسیده است؟! ولی من حرفی ندارم. شاید هم در کلمات به فرمایش شما برخورد کرده بودم.

بازبینی #3
ایجاد شده 30 دسامبر 2025 15:14:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 فوریه 2026 13:28:20 توسط ... .